



دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناس ارشد

رشته تاریخ گرایش تاریخ ایران اسلامی

**تأثیر سیاست خارجی ایران در پیوند با آمریکا بر مناسبات ویتنام و ایران از**

**کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷**

**استاد راهنما**

دکتر سیمین فصیحی

**دانشجو**

هوین فام‌تی‌چان

اسفند ماه ۱۳۸۹

اسدالکریم

## قدردانی و تشکر

پژوهش حاضر، تلاش است ناچیز و ناتمام برای بررسی گوشه‌ای از تاریخ روابط ایران و ویتنام اما نتیجه کمک و یاری‌خستگی ناپذیر خانواده، اساتید و دوستان می باشد.

از خانواده‌ام که همواره پشتیبان من در زندگی و راه علم و دانش هستند، بی‌نهایت سپاسگزارم. از استاد بزرگوار سرکار خانم دکتر سیمین فصیحی، راهنمای فرهیخته‌ام که با لطف و دانش خود راهنمایی این پایان‌نامه را برعهده داشتند و در تدوین این پایان‌نامه از هیچ‌گونه راهنمایی دریغ نوزیدند، تقدیر و تشکر می‌کنم.

از جناب آقای دکتر اسماعیل حسن‌زاده که من را از دانش و رهنمودهای خود بهره‌مند کردند، کمال سپاس را دارم.

از جناب آقای دکتر شیخ نوری و جناب آقای دکتر ملائی توانی که داوری پایان‌نامه‌ام را قبول کردند، تشکر می‌کنم.

از جناب آقای حسین ابراهیم خانی، سفیر سابق ایران در ویتنام و مؤلف مجموعه اسناد با ارزش "تاریخ ویتنام و ایران" قدردانی می‌کنم.

از اساتید برجسته گروه تاریخ دانشگاه الزهراء(س) که در طول مدت تحصیل من در این گروه و همچنین در ترغیب علاقه من به رشته تاریخ، کمک و یاری فراوان کردند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

از مسئولان سفارت ویتنام در ایران و مراکز اسناد و پژوهشی و کتابخانه‌ها مانند: موسسه تاریخ معاصر ایران، مرکز اسناد ملی، مرکز اسناد وزارت امور خارجه، پژوهشگاه امام خمینی (ره)، کتابخانه ملی، کتابخانه مرکزی دانشگاه الزهراء(س)، کتابخانه گروه تاریخ دانشگاه الزهراء(س) به واسطه بذل توجه و قرار دادن منابع در اختیار نگارنده این پایان‌نامه سپاسگزاری می‌نمایم.

از خانم الهام دستجردی که با حوصله و پشتکار این پایان‌نامه را ویرایش کرد، تشکر می‌کنم.

از دوستان و هم‌وطنانم که در سختی‌ها همراه من بودند بی‌نهایت سپاسگزارم.

در آخر برای همه اساتید، عزیزان و دوستان آرزوی سلامتی و توفیق دارم.

## چکیده

موضوع اصلی این پژوهش بررسی تأثیر سیاست خارجی ایران در پیوند با آمریکا بر مناسبات ویتنام و ایران دوره بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا قبل از انقلاب می باشد. دوره ۲۵ سال از کودتای ۲۵ مرداد تا انقلاب اسلامی و سقوط شاه، دوره‌ای پر تحول در تاریخ ایران در عام و همچنین تاریخ روابط بین ایران و ویتنام در خاص محسوب می شود. پیچیدگی اوضاع بین‌المللی و داخلی و در عین حال شخصیت شاه، دلیل اصلی این دگرگونی‌ها در مناسبات بین ایران و ویتنام تلقی می شود. عناصر مختلف بر روابط ایران و ویتنام در طی سال‌های ۱۹۵۳-۱۹۷۸ م تأثیر گذاشتند. اما با توجه به اهمیت این برهه زمانی از لحاظ اوج نفوذ کشور استعماری جدید آمریکا در دو کشور ایران و ویتنام می توان گفت گرایش وابسته به آمریکا در سیاست خارجی که در واقع سیاست پیروی از سیاست جهانی دولت آمریکا می باشد، بر نظر دولت ایران نسبت به روابط خود با دو ویتنام شمالی کمونیستی و جنوبی دموکراسی تأثیر مهمی گذاشت و نقش تعیین کننده داشت.

روش مورد استفاده این پایان‌نامه، روش تاریخی است که مبتنی بر تحلیل و استنتاج ذهنی می باشد. این روش ۳ ویژگی دارد، یعنی توصیفی، انتقادی و مقایسه‌ای. پژوهش حاضر با تکیه بر این روش تدوین یافت.

کلید واژگان: سیاست خارجی، استعمار جدید، وابستگی

## فهرست مطالب

فصل اول: کلیات	۱
مقدمه	۱
۱-۱: موضوع پژوهش	۳
۲-۱: پرسش‌های پژوهش	۳
۳-۱: فرضیه‌های پژوهش	۴
۴-۱: اهمیت و ضرورت پژوهش	۴
۵-۱: روش پژوهش	۵
۶-۱: تعریف مفاهیم	۵
۷-۱: پیشینه پژوهش	۱۴
۸-۱: معرفی و ارزیابی منابع پژوهش	۱۷
فصل دوم - نفوذ آمریکا و تأسیس دولت‌های وابسته در ایران و ویتنام	۲۰
۱-۲: چگونگی روند نفوذ آمریکا در ایران و ویتنام	۲۱
۱-۱-۲: کلیات سیاست خارجی آمریکا: از سیاست انزواجویی، میانجی‌گری تا سلطه‌گری	۲۱
۱-۱-۲-۱: روابط آمریکا و ایران	۲۳
۱-۱-۲-۱-۱: نخستین روابط فرهنگی ایران و آمریکا	۲۴
۱-۱-۲-۱-۲: نخستین رابطه سیاسی ایران و ایالات متحده آمریکا	۲۶
۱-۱-۲-۱-۳: آمریکا و ایران بین دو جنگ جهانی	۳۲
۱-۱-۲-۱-۴: آمریکا و ایران بعد از جنگ جهانی دوم	۳۳
۱-۱-۲-۱-۵: آمریکا و مسأله آذربایجان	۳۴
۱-۱-۲-۱-۶: آمریکا و نهضت ملی شدن نفت	۳۶
۱-۱-۲-۱-۷: کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش و دخالت آمریکا	۳۸
۱-۱-۲-۲: آمریکا و ویتنام	۴۳
۱-۱-۲-۱: اولین تلاش برای برقراری رابطه سیاسی از طرف آمریکا	۴۴
۱-۱-۲-۲: دولت روزولت و مسأله هندوچین	۴۶
۱-۱-۲-۳: طرح قیمومت برای هندوچین	۴۷

- ۴۸-۱-۱-۲-۴: همکاری اداره خدمات استراتژیکی آمریکا و هوشی مین.....
- ۵۰-۱-۱-۲-۵: دوره ۱۹۴۵-۱۹۵۴: آمریکا حامی استعمار فرانسوی در ویتنام.....
- ۵۲-۱-۱-۲-۶: آگاهی هوشی مین و مردم ویتنام از مداخله آمریکا.....
- ۵۴-۱-۱-۲-۷: آیزنهاور و عملیات کوورت.....
- ۵۵-۱-۱-۲-۸: نبرد دین بین فو و توافقنامه ژنو ۱۹۵۴م- جنگ پی در پی.....
- ۶۰-۲-۲: تأسیس دولت های دست نشانده در ایران و ویتنام جنوبی.....
- ۶۰-۲-۱: ایران و ویتنام جنوبی متحدان وابسته آمریکا.....
- ۶۴-۲-۲: تحکیم قدرت دیکتاتوری و وابسته.....
- ۶۴-۲-۲-۱: در ایران.....
- ۶۶-۲-۲-۲: در ویتنام جنوبی.....
- ۶۸-۲-۳: کمک نظامی و اقتصادی آمریکا به ایران و ویتنام جنوبی.....
- ۷۲-۲-۴: کمک اطلاعاتی به ایران و ویتنام.....
- ۷۳-۲-۴-۱: ایران.....
- ۷۴-۲-۴-۲: ویتنام جنوبی.....
- ۷۵-۲-۵: همسو سازی دولت های دست نشانده با سیاست خارجی آمریکا.....
- ۷۶-۲-۵-۱: ایران و پیمان سنتو.....
- ۷۸-۲-۵-۲: ویتنام جنوبی و پیمان سیتو.....
- ۸۰- نتیجه گیری فصل دوم.....

### فصل سوم: سیاست خارجی ایران در پیوند با آمریکا از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب

- ۸۲- اسلامی.....
- ۸۷-۳-۱: سیاست ناسیونالیسم مثبت.....
- ۸۸-۳-۱-۱: سیاست ناسیونالیسم مثبت در گفتار شاه.....
- ۹۳-۳-۱-۲: سیاست کاری شاه در دوره ۱۳۴۲-۱۳۳۲ش.....
- ۹۴-۳-۱-۲-۱: تجدید روابط با انگلستان و حل مسأله نفت.....
- ۹۸-۳-۱-۲-۱: پیمان بغداد و پیمان دو جانبه دفاعی ایران- آمریکا.....
- ۱۰۱-۳-۱-۲-۳: روابط ایران و کشورهای همسایه، مسأله ملی کردن کانال سوئز.....
- ۱۰۴-۳-۱-۲-۴: روابط ایران و شوروی.....

- ۳-۱-۲-۵: کمک‌های اقتصادی و نظامی آمریکا به ایران..... ۱۰۷
- ۳-۱-۲-۵-۱: کمک‌های فوری مالی..... ۱۰۸
- ۳-۱-۲-۵-۲: کمک اطلاعاتی و نظامی برای سرکوب نیروهای مخالف..... ۱۰۸
- ۳-۲: سیاست مستقل ملی (۱۳۴۲-۱۳۵۷ش)..... ۱۱۲
- ۳-۲-۱: سیاست مستقل ملی در گفتار شاه..... ۱۱۵
- ۳-۲-۲: سیاست عملی شاه در دوره ۱۳۴۲-۱۳۵۷ش (۱۹۴۳-۱۹۷۹م)..... ۱۲۱
- ۳-۲-۲-۱: بهبود روابط با شوروی..... ۱۲۱
- ۳-۲-۲-۲: حمایت از متحدان و هم‌پیمانان منطقه‌ای..... ۱۲۵
- ۳-۲-۲-۲-۱: حمایت از پاکستان در زد و خورد با هند..... ۱۲۵
- ۳-۲-۲-۲-۲: موضع‌گیری شاه در جنگ عرب و اسرائیل..... ۱۲۶
- ۳-۲-۲-۳: ایران - یک ژاندرام منطقه‌ای..... ۱۳۰
- ۳-۲-۲-۴: خرید اسلحه و افزایش تعداد مستشاران نظامی آمریکایی در ایران..... ۱۳۴
- ۳-۲-۲-۵: دخالت نظامی ایران در سه جزیره در خلیج فارس و ظفار..... ۱۳۸
- ۳-۲-۲-۶: حمایت از سیاست جهانی آمریکا..... ۱۴۴
- نتیجه‌گیری فصل سوم..... ۱۴۷

#### فصل ۴: تأثیر سیاست خارجی ایران در پیوند با آمریکا بر روابط ایران و ویتنام از کودتای

- ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش تا انقلاب اسلامی ایران..... ۱۴۹
- ۴-۱ اولین تماس سیاسی بین دو کشور ایران و ویتنام..... ۱۴۹
- ۴-۲ دوره ۱۳۳۲-۱۳۴۲ش (۱۹۵۳-۱۹۶۳م)..... ۱۵۳
- ۴-۲-۱: ایران و مسأله ویتنام..... ۱۵۳
- ۴-۲-۱-۱: به رسمیت شناختن جمهوری ویتنام (ویتنام جنوبی)..... ۱۵۸
- ۴-۲-۱-۲: خودداری از شناسایی جمهوری دموکراتیک ویتنام..... ۱۶۴
- ۴-۲-۲: برقراری روابط دیپلماسی بین ایران و ویتنام جنوبی..... ۱۶۷
- ۴-۲-۳: ایران و اعتراض بودائیان و کودتای سرنگون دیم..... ۱۶۹
- ۴-۳: روابط ایران و ویتنام از ۱۳۴۲-۱۳۵۲ش..... ۱۸۰
- ۴-۳-۱: سیاست گفتاری و عملی دولت شاه درباره مسأله ویتنام..... ۱۸۲

- ۱۸۶..... ۲-۳-۴: روابط سرد با ویتنام شمالی
- ۱۹۱..... ۳-۳-۴: روابط گرم با ویتنام جنوبی
- ۱۹۳..... ۱-۳-۳-۴: روابط سیاسی، اقتصادی بین ایران و ویتنام جنوبی
- ۲۰۱..... ۲-۳-۳-۴: ارسال گروه‌های پزشکان به ویتنام جنوبی
- ۲۰۹..... ۳-۳-۳-۴: کمک نظامی ایران به دولت ویتنام جنوبی
- ۲۱۳..... ۴-۳-۳-۴: رجال عصر پهلوی و مسأله ویتنام
- ۲۱۷..... ۴-۴: روابط ویتنام و ایران در دوره ۱۳۵۲-۱۳۵۷ ش
- ۲۲۲..... ۱-۴-۴: دوگانگی سیاست دولت شاه درباره ویتنام
- ۲۲۴..... ۲-۴-۴: مشارکت ایران در کمیسیون نظارت بر آتش بس در ویتنام
- ۲۲۵..... ۱-۲-۴-۴: کمیسیون بین‌المللی کنترل و نظارت بر آتش بس ویتنام
- ۲۲۹..... ۲-۲-۴-۴: روند مذاکره برای ورود ایران به این کمیسیون
- ۱۳۵۲/م-۱۹۷۵-۱۹۷۳-۳-۲-۴-۴: فعالیت هیأت نمایندگی ایرانی در کمیسیون نظارت بر آتش بس ویتنام (۱۹۷۳-۱۹۷۵/م-۱۳۵۲-۲۳۳ ش)
- ۲۳۳..... ۴-۲-۴-۴: نظرات نویسندگان درباره مشارکت ایران در کمیسیون کنترل و نظارت بر آتش بس ویتنام
- ۲۴۱..... ۳-۴-۴: روابط ایران با ویتنام شمالی
- ۲۵۰..... ۴-۴-۴: روابط با جمهوری ویتنام (تا قبل از ۱۹۷۵/۴/۳۰)
- ۲۵۱..... ۵-۴-۴: روابط ایران و دولت موقت انقلابی ویتنام جنوبی (۱۹۷۵-۱۹۷۶ م)
- ۲۵۳..... ۵-۴: روابط ملت - ملت
- ۱-۵-۴: مبارزه مردم ایران بر علیه استبداد و استعمار و همراهی با مردم ویتنام در مقاومت در مقابل آمریکا و دولت دست‌نشانده ویتنام جنوبی
- ۲۶۳..... ۱-۱-۵-۴: روحانیون و جنگ ویتنام
- ۲۶۶..... ۲-۱-۵-۴: نهضت دانشجویان، کارگران
- ۲۷۳..... ۳-۱-۵-۴: مبارزه گروه‌های چپ‌گرا
- ۲۷۷..... ۴-۱-۵-۴: روشنفکران و نویسندگان
- ۲۸۶..... ۲-۵-۴: تجربه ویتنام - تقویت روحیه مقاومت مردم ایران در دوران تب‌آلود انقلاب اسلامی
- ۲۹۲..... نتیجه‌گیری فصل چهارم
- ۲۹۶..... نتیجه‌گیری
- ۲۹۸.....



## فصل اول: کلیات

### مقدمه

ویتنام و ایران از لحاظ جغرافیایی، جایگاه استراتژیکی در خاور دور و خاورمیانه دارند و به همین دلیل از زمان‌های دیرین به عنوان مراکز تجاری در این دو منطقه فعالیت می‌کردند. بر اساس آثار و تحقیقات تاریخی، مناسبات تجاری ایران و ویتنام در صدها سال قبل از ورود اسلام به ایران ریشه دارد. بعد از ورود اسلام به سرزمین ایران این مناسبات علاوه بر جنبه تجاری با گسترش و دعوت به دین اسلام در هندوچین (که مرکز آن چمپا- جنوب ویتنام اکنون) و جنوب شرقی آسیا، همراه بوده است. به عبارت دیگر ایرانیان اولین کسانی بودند که اسلام را به این منطقه معرفی کردند و می‌توان گفت روند گسترش صلح آمیز دین اسلام در جنوب شرقی آسیا مدیون ایرانیان بود. این مناسبات تجاری و دینی تا دوران قاجار ادامه داشت در حالی که روابط سیاسی بین این دو کشور خیلی کم رنگ‌تر بوده‌است. در قرن بیستم که با دگرگونی‌های عظیمی در صحنه سیاسی جهان و روابط بین کشورها همراه بود، روابط ایران و ویتنام نیز وارد مرحله جدیدی شد. حضور استعمارگران کهن و جدید در این دو کشور به خاطر جایگاه جغرافیایی آنها و همچنین منافع اقتصادی استعمارگران، عنصر تأثیر گذار مهمی در روابط این دو سرزمین به‌شمار می‌رود. بعد از جنگ جهانی دوم و مخصوصاً در دهه ۱۹۵۰، شاهد جابجایی قدرت استعماری هستیم به طوری که استعمارگران کهن مانند انگلستان در ایران و فرانسه در ویتنام جای خود را به استعمارگر تازه نفس و پر هیجان آمریکا دادند و از این به بعد حیات این دو ملت با دخالت مستقیم و غیر مستقیم این استعمارگر همراه بود. آمریکا حضور بی‌چون و چرای خود را در ایران و ویتنام در دهه ۱۹۵۰ ثابت کرد. موفق شدن کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲/۱۹۵۳م، نقطه عطفی در رابطه ایران و آمریکا به حساب می‌آید زیرا از این زمان، حکومت محمدرضا شاه سیاست خارجی غرب محور یا به‌طور دقیق‌تر ائتلاف با آمریکا را در پیش گرفت و ایران تبدیل به ژاندارم آمریکا در خاورمیانه شد و به مرور زمان با وسعت یافتن مداخله آمریکا در امور ایران، همسویی رژیم شاه با آمریکا در روابط بین-المللی به طور عام و روابط با ویتنام به طور خاص بیشتر به چشم می‌خورد. در عین حال در سال ۱۹۵۴م آمریکا با زیر پا نهادن قرارداد ژنو که خود یکی از شرکت‌کنندگان آن بود و حمایت از دولت دموکراسی ویتنام جنوبی، دامنه دخالت این کشور در جنگ ویتنام گسترش یافت و از این به

بعد آمریکا تلاش فراوانی برای جلب توجه و کمک متحدانش از جمله ایران انجام داد. شرایط دو کشور در این دوره، تأثیر مستقیمی بر روابط دو جانبه آن‌ها گذاشت، به عبارت دیگر مناسبات ایران و ویتنام، گسترش دامنه دخالت آمریکا در ویتنام و همسویی کامل حکومت محمدرضاشاه با سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا را منعکس می‌نمود.

سؤال اصلی نگارنده این است که سیاست خارجی ایران در پیوند با آمریکا چه تأثیری بر مناسبات ایران و ویتنام از کودتای ۲۸ مرداد تا قبل از انقلاب اسلامی گذاشت؟ از این رو، این پایان نامه با هدف یافتن پاسخ سؤال مذکور، در چهار فصل تنظیم شده است.

فصل اول: موضوع پژوهش، پرسش‌ها، فرضیه‌ها، روش و پیشینه پژوهش، معرفی و ارزیابی منابع پژوهش را در بر می‌گیرد.

فصل دوم به روند نفوذ آمریکا در ایران و ویتنام از اولین تماس تاریخی تا زمان وقوع تحولات مهم در ایران (کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش) و ویتنام (امضای توافقنامه ژنو ۱۹۵۴م) اختصاص دارد. روشن ساختن روند تغییر سیاست آمریکا نسبت به این دو کشور از انزواگرایی تا میانجیگری و سپس سلطه‌گری و در نهایت استعمارگری، موضوع اصلی این فصل به شمار می‌آید.

در فصل سوم، به بررسی سیاسی خارجی ایران در دوره ۲۵ سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا قبل از انقلاب اسلامی می‌پردازیم. سیاست ناسیونالیسم مثبت (۱۳۳۲-۱۳۴۲ش) و سیاست مستقل ملی (۱۳۴۲-۱۳۵۷م) از دو لحاظ سیاست گفتاری شاه و سیاست کاری شاه بررسی می‌شود. هدف اصلی این فصل روشن ساختن پیروی سیاست خارجی دولت ایران از سیاست منطقه‌ای و جهانی آمریکا محسوب می‌شود.

مباحث فصل چهارم به ارائه روابط ایران و ویتنام در طول دوران پر حادثه تاریخی پرداخته‌است که به سه دوره بر اساس تغییرات در اوضاع جهانی و داخلی دو کشور و مهم‌تر از آن تغییرات در سیاست خارجی ایران تقسیم شده است. این دوره‌ها شامل دوره اول از ۱۳۳۲-۱۳۴۲ش، دوره دوم ۱۳۴۲-۱۳۵۲ش و دوره سوم ۱۳۵۲-۱۳۵۷ش می‌باشد. علاوه بر بررسی روابط بین دولت‌ها، در این فصل به روابط بین دو ملت و شهرت پیروزی مردم ویتنام در بین مردم ایران اشاره خواهیم کرد.

در این پژوهش نگارنده به بررسی اسناد چاپ نشده و چاپ شده و منابع دست اول معطوف شده‌است.

شایان ذکر است که این پژوهش با دشواری‌های فراوان و تنگناهای بی‌شمار انجام پذیرفت. محدودیت زمانی، خارجی بودن و عدم اطلاعات زمینه در حوزه تاریخی خود نگارنده بر مشکلات کار افزوده بود ولی با یاری خانواده، استادان و هم چنین کمک فراوان دوستان، این پایان‌نامه به موقع تدوین شد.

## ۱-۱: موضوع پژوهش

روابط ایران و ویتنام با وجود فاصله جغرافیایی به زمان‌های خیلی دور بر می‌گردد. این روابط در دوره معاصر به سطح برقراری روابط سیاسی توسعه یافت. آغاز تاریخ روابط سیاسی بین دو کشور در دوره حکومت محمدرضا پهلوی بود که از همان ابتدا با نشیب و فرازهای فراوان بین دو کشور همراه بود. دوره ۲۵ سال از کودتای ۲۵ مرداد تا انقلاب اسلامی و سقوط شاه، دوره‌ای پر تحول در تاریخ ایران به طور عام و همچنین تاریخ روابط بین ایران و ویتنام به طور خاص محسوب می‌شود. پیچیدگی اوضاع بین‌المللی و داخلی و در عین حال شخصیت شاه، دلیل اصلی این دگرگونی‌ها در مناسبات بین ایران و ویتنام تلقی می‌شود.

عناصر مختلف بر روابط ایران و ویتنام در طی سال‌های ۱۹۵۳-۱۹۷۸م تأثیر گذاشتند. اما با توجه به اهمیت این برهه زمانی از لحاظ اوج نفوذ کشور استعماری جدید آمریکا در دو کشور ایران و ویتنام و در نتیجه سیاست خارجی ایران و مخصوصاً گرایش وابسته به آمریکا در حکومت شاه و تلاش برای افزایش نفوذ در منطقه توسط دولت آمریکا و حل و فصل مسائل جنگ ویتنام، می‌توان گفت سیاست پیروی از سیاست جهانی دولت شاه بر نظر دولت ایران نسبت به روابط با دو ویتنام شمالی کمونیستی و جنوبی دموکراسی تأثیر مهمی گذاشت و نقش تعیین‌کننده داشت. در همه تحولات مهم در سیر روابط بین ویتنام و ایران در این دوره از مسأله به رسمیت شناختن حکومت ویتنام جنوبی و عدم توجه به درخواست برقراری روابط از طرف ویتنام شمالی، کمک نفتی، ارسال گروه پزشکی و همچنین ابزار جنگی به ویتنام جنوبی تا به رسمیت شناختن ویتنام شمالی و مشارکت در کمیسیون نظارت بر آتش بس ویتنام، سیاست خارجی ائتلاف با آمریکا نقش نخست را دارد.

## ۱-۲: پرسش‌های پژوهش

سؤال اصلی در این پایان‌نامه به صورت زیر می‌باشد:

- سیاست خارجی ایران در پیوند با آمریکا چه تأثیری بر مناسبات ایران و ویتنام از کودتای ۲۸ مرداد تا قبل از انقلاب اسلامی گذاشت؟

در عین حال برای روشن ساختن این سؤال اصلی و بر اساس تحقیق زمینه‌ای چند سوال فرعی هم مطرح شد:

- نقش سیاست خارجی ایران در دوره ۱۳۴۲-۱۳۳۲ش بر روابط ایران و ویتنام این دوره چگونه بود؟

- سیاست خارجی ایران در دوره ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش چه تأثیری بر مناسبات ایران و ویتنام در این دوره گذاشت؟

- سیاست خارجی ایران در دوره ۱۳۵۲-۱۳۵۷ش چگونه بر روابط ایران و ویتنام تأثیر گذاشت؟

### ۱-۳: فرضیه‌های پژوهش

فرضیه مطرح شده برای این سوالات عبارت است از:

- تکیه محمدرضا شاه به آمریکا در سیاست خارجی عنصر تعیین کننده و جهت دهنده در مناسبات ایران و ویتنام از کودتای ۲۸ مرداد تا قبل از انقلاب بوده است.

فرضیه فرعی:

- سیاست موازنه مثبت حکومت محمدرضا شاه موجب نزدیکی ایران به آمریکا و از این رو توجه به ویتنام جنوبی شد.

- سیاست ائتلاف شدید با آمریکا حکومت محمدرضا شاه در دوره ۱۳۴۲-۱۳۵۲ش باعث حمایت و همگامی حکومت شاه از دولت ویتنام جنوبی و ضد جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی شده است.

- شکست آمریکا در جنگ ویتنام و تکامل "سیاست مستقل ملی" دولت پهلوی باعث بهبود روابط ایران با جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی (از ۱۹۷۶ به نام جمهوری سوسیالیستی ویتنام) شد.

### ۱-۴: اهمیت و ضرورت پژوهش

مطالعه روابط بین کشورها برای شناخت سیاست آنها در مقابل هم ضروری است تا تحلیل درست تر از ماهیت روابط حکومت‌ها به دست آمده و از نتیجه گیری‌هایی غلط که معمولاً آثار تاسف آور به دنبال دارد، اجتناب گردد. در این پایان نامه سعی شد که آشنایی بیشتر و دقیق تر ما نسبت به مسایل سیاست خارجی ایران در گذشته فراهم شده و مقطع خاصی از تاریخ روابط ایران و ویتنام روشن شود و در عین حال زمینه را برای مطالعه و آمادگی بیشتر در جهت ارائه استدلالی

منطقی‌تر در بحث فراهم آورد. با توجه به پیچیدگی اوضاع داخلی و بین‌المللی دو کشور ویتنام و ایران قبل از انقلاب اسلامی و دخالت عنصر سوم یعنی آمریکا در مناسبات دو کشور، بررسی روابط بین دو کشور در این دوره تاریخی خاص دارای اهمیت دوچندان است. بطور خلاصه، هدف اصلی این پایان‌نامه آشنایی بیشتر و دقیق‌تر مخاطبان نسبت به سیاست خارجی ایران در پیوند با آمریکا در دوره بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر مناسبات بین ایران و ویتنام می‌باشد.

## ۱-۵: روش پژوهش

روش مورد استفاده این پایان‌نامه، روش تاریخی است که مبتنی بر تحلیل و استنتاج ذهنی می‌باشد. این روش ۳ ویژگی دارد، یعنی توصیفی، انتقادی و مقایسه‌ای. در گام اول با بررسی و جمع‌آوری اطلاعات از منابع مانند کتاب‌ها و اسناد، رویدادهای تاریخی در موضوع مورد بررسی مانند روند نفوذ آمریکا در ویتنام و ایران، سیاست خارجی دولت شاه در طول ۲۵ سال و همچنین جنگ ویتنام - "حادثه‌ترین مسأله بین‌المللی زمان" و دخالت آمریکا در آن به تصویر کشیده شد. در عین حال با استفاده از نگرش انتقادی و مقایسه‌ای می‌توان همانندی‌ها و اختلاف‌ها را در این رویدادهای تاریخی روشن ساخت و از آن مهم‌تر این نگرش‌ها به ما کمک می‌کنند تا علل و اسباب رویدادها را درک کنیم و به هدفمان یعنی نشان دادن رابطه تنگاتنگ علی و معلولی بین سیاست خارجی ایران در پیوند با آمریکا و سیاست ایران نسبت به ویتنام و جهت‌گیری دولت ایران در مسأله ویتنام، برسیم. قابل ذکر است که این پژوهش بیشتر براساس منابع فارسی نه ویتنامی تدوین شد.

## ۱-۶: تعریف مفاهیم

### استعمار و استعمار جدید

برای روشن ساختن ماهیت استعماری آمریکا در دوره مورد بحث باید مفاهیم استعمار و استعمار جدید را روشن سازیم.

-استعمار: به نظر مهران توکلی در کتاب "استعمار، استعمارگری، استعمارزدایی جهان سوم":

" در روزگار ما مفهومی که واژه استعمار- یا استعمارگر- در ذهن می نشاند چنگ انداختن یک ملت زورمند بر یک ملت ناتوان است برای بهره‌گیری نظامی، اقتصادی و فرهنگی- یا هر یک از اینها. استعمارگر پیشینه تاریخی کهن دارد."<sup>۱</sup>

-استعمار جدید: تعاریف متعددی درباره "استعمار جدید" داریم که در ذیل به چند مورد از آنها اشاره شده است:

در کتاب "استعمار، استعمار گری، استعمار زادایی جهان سوم" استعمار جدید اینگونه تعریف شده است:

"کشورهای استعمارگر پیشین هرگز از نفوذ خود در مستعمره پیشین خود دل برنکنند. آنها از شیوه‌هایی مانند کمک مالی و امضاء پیمان همکاری با کشورهای مستعمره پیشین این رابطه را نگاه داشتند. دو کشور ابر قدرت - آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی- هر چند که قدرت‌های استعمارگر نبودند، پشتیبانی‌ها و کمک‌هایی که هر یک به کشورهای جهان سوم می کردند همانند انگلستان و فرانسه سودجویانه بود. آمریکا از کشورهایی پشتیبانی می کرد که از کمونیسم بیمناک بودند، هم چون پاکستان، کره جنوبی و ایران. در ویتنام جنوبی آمریکا به همین بهانه در جنگ درگیر شد که تا ۱۹۷۳ نتوانست خود را از آن برهاند و بن‌بستی بود که جز ناکامی سرانجامی برای آمریکا نداشت."<sup>۲</sup>

تعریف استعمار جدید از دیدگاه جواهل لعل نهری:

"استعمار نو بر اساس روی کار آمدن حکومت‌های نظامی مقتدر محلی در سرزمین‌های مستعمره می باشد که خودشان را حکومت مستقل و خودمختار می نامند. این استعمارنو، استعمار یک دولت خارجی نیست، بلکه استعمار یک گروه اندک است که زمام امور کشور را در دست می گیرند و چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی بر آن تسلط می یابند. اما بطور نامرئی آمریکاییان یا اروپاییان بر آن تسلط دارند. این گروه اقلیت حتی از محافظه‌کارترین عناصر کشورهای غربی مرتجع‌ترند، از تمام نهضت‌های لیبرال که حتی در خود کشورهای اصلی غرب وجود دارند برکنارند و همیشه در حالت ترس و وحشت از اکثریت مردم که تحت حکومت‌شان هستند بسر می برند و فقط درباره مرعوب کردن و خفه ساختن مردم می اندیشند"<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> توکلی، مهران. (۱۳۸۵). استعمار، استعمارگری، استعمارزادایی جهان سوم. تهران: نشر نی، چاپ اول، ص ۱۷

<sup>۲</sup> همان، ص ۸۰.

<sup>۳</sup> نهری، جواهل لعل، اندیشه‌های نهری، سازمان کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۴۰، صص ۱۸۸، ۱۸۹ به نقل قول از هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. (۱۳۸۹). سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، ۱۳۰۰-۱۳۵۷. تهران: نشر پیکان، چاپ هشتم، ص ۲۱۷.

در کتاب "استعمار جدید یا نئو کلنیالیسم" حسن صدر درباره ماهیت و خطرناکی استعمار صحبت کرده است. در مقدمه این کتاب مؤلف استعمار نو را چنین تعریف می کند:

" استعمار نقابداری است که بعد از جنگ دوم جهانی بافتضای زمان چهره کریه خود را زیر روپوش طلایی، حمایت از جهان آزاد پوشانده و بطرق مختلف به بهره کشی از منابع ثروت و کار و کوشش دوهزار میلیون انسان سیاه روز مشغول است."<sup>۴</sup>

در عین حال وی مقایسه بین استعمار معمولی یا استعمار قدیمی با نئوکلنیالیسم و یا استعمار نو را مطرح می کند:

استعمار یعنی فرم شناخته شده و بهره کشی از ملت های مستعمره، گرچه روزهای آخر عمر خود را طی می کند ولی قبل از مرگ خود جانشین تازه نفس و فرزند برومندی به جا گذاشته که بتواند زیر سرپوش طلایی استقلال و حمایت جهان آزادی و مبارزه با کمونیسم، ملت هائی را که ظاهراً از بند استعمار رسته اند کماکان در قید بندگی سیاسی و اقتصادی نگاه دارد و مورد بهره کشی قرار دهد. این جانشین تازه نفس، نئو کلنیالیسم یا استعمار نو نام دارد. استعمار نو یعنی شکل تازه و روپوش دار کلنیالیسم، یعنی نیرنگ قرن بیستم سرمایه داری، در بسیاری از مختصات با استعمار معمولی هم رنگ و هم داستان است. این هر دو بلای خانمانسوز و آدمخوار و فلاکت بار می باشند. استعمار نو از بعضی جهات خطرناک تر و مهلک تر از استعمار معمولی است زیرا از طرفی تشکیلات رسمی حکومت کاملاً تحت نفوذ آن است، ولی برحسب ظاهر حکایت از استقلال می کند و عامه بیسواد را به آسانی می تواند فریب دهد و مسیر تعلیم و تربیت و نحوه رشد عقل و فهم مردم را در اختیار بگیرد و هماهنگ با منافع استعمار پرورش دهد و از طرف دیگر استعمار معمولی مستقیم و بی پرده بعد از مدتی حکمرانی، احساسات مردم محکوم را مجروح کرده و افکار را علیه خود بر می - انگیزد و در نتیجه، فشار و اهانت، همت و غیرت آنها را تحریک می کند، چنانچه حکومت فرانسویان در شمال آفریقا چنین کرد. اما نئوکلنیالیسم یا استعمار نو چون ظاهراً مداخله و فرمان روائی ندارد و حتی برای استقلال ملت ها پیراهن چاک می کند و ظاهراً از انواع کمک اقتصادی و نظامی هم دریغ نمی ورزد، خطر هیجان عمومی برای آن کمتر است. یک نکته دیگر اینکه در استعمار مستقیم، دولت استعماری می کوشد مأمورین بهتر و مؤدب تر بر مردم بگمارد ولی در

---

<sup>۴</sup> صدر، حسن. (۲۵۳۵). استعمار جدید یا نئوکلنیالیسم در فلسطین، رودزیا، آمریکای لاتین، لائوس، ویتنام، کنگوو... تهران: انتشارات جاویدان، چاپ پنجم، مقدمه ص ۶.

استعمار جدید چون هدف اینست که زیر پرده، منافع ملتی را در بست در اختیار داشته باشد، به ناچار فاسدترین و فرمان‌بردارترین عناصری را که بتوان جست بر مسند حکومت می‌نشانند. حکومت نکو دین دیم<sup>۵</sup> و بعد ژنرال‌ها در ویتنام جنوبی بهترین نمونه نئوکلیالیسم است.<sup>۶</sup>

بنابراین می‌توان گفت که استعمار جدید به دنبال نهضت استعمارزدایی که بعد از جنگ جهانی دوم به اوج رسید، پدید آمد. در واقع استعمار جدید ماهیت استعمار سنتی را حفظ کرد ولی روش اشغال را تغییر داد، بطوریکه به مراتب خطرناک‌تر از استعمار سنتی بود. در این نوع استعمار با اشغال غیر مستقیم (ساختن حکومت آلت‌دست بومی) و تسلط فرهنگی و اقتصادی، منابع ملی کشورهای نیمه مستمره‌ای مورد بهره‌کشی قرار می‌گرفت و فرهنگ استعماری جانشین فرهنگ بومی می‌شد.

اما سؤال این است که ریشه تئوری و استراتژی استعمار نو کجاست و برای اولین بار چگونه مطرح شده است. در کتاب "استعمارنو، دگرگونی‌ها و بحران‌ها" رضا آیرملو ریشه استراتژی استعمار نو را در نظریه اقتصاددان انگلیسی جان مینادر کینز<sup>۷</sup> جست‌وجو کرد، به نظر او پایه اقتصادی استعمار نو در نظریه "عمومی اشتغال، پول و بهره" کینز دیده می‌شود. در این بخش به این نظریه می‌پردازیم تا ماهیت استراتژی استعمار نو را تا حدی روشن سازیم.

کینز در نظریه عمومی خود نشان داد که "طی سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۳۹ در انگلستان بیکاری وجود داشت و مکانیسم‌های بازار آزاد توانسته آن را حل کند". تحلیل کینز و طرفداران نشان داد که رکود خود به خود پایان نمی‌پذیرد مگر با مشکلات فراوان و طی زمان نسبتاً طولانی و اعاده رونق اقتصادی همیشه به خودی خود حل نمی‌شود، بلکه مستلزم دخالت‌ها و اتخاذ تدابیر مقتضی به وسیله یک عامل خارجی نسبت به بازار به ویژه دولت است تا با استفاده از "مکانیسم‌های تثبیت کننده" تعادل اقتصادی را باز گرداند و در نقش طبیب، مراقب بیماری بازار باشد. اما نظریات کینز و پیروانش، زمانی اعمال می‌گردد و پندهایش موقعی بکار بسته می‌شود که اقتصاد سرمایه‌داری، جهان شمول شده و همه جهان سرمایه‌داری بازار پیوسته و مشترکی را تشکیل دهند. از این رو "تعادل بازار"، تعادل مرکز بازار جهانی، یعنی "بازار کشورهای صنعتی- سرمایه‌داری" معنی می‌شود و حاشیه بازار، یعنی کشورهای جهان سوم که چیزی بیش از "وسایل تثبیت کننده" از بازار جهانی به حساب می‌آید. در دهه ۵۰ و ۶۰ قرن ۲۰ میلادی این نظریه توسط رئیس جمهورهای

<sup>5</sup> Ngo Dinh Diem

صدر، همان، ص ۱۱ تا ۱۴.

<sup>7</sup> J.M.Keynes (1883-1946)



آمریکا اجرا شد که منشأ یا بنیاد فکری و نظری برای توسعه استعمار جدید شده است. بنابراین همانطور که گفته شد نظریات جدید منتسب به کینز در موقعیتی جهان شمول می شود که انحصارات و شرکت‌های غول پیکر در وسعتی پهناورتر از خاک ایالات متحده و حتی در ابعادی فراتر از همه سرزمین‌های صنعتی سرمایه‌داری، پا به عرصه وجود (تولید، توزیع، حمل و نقل، مبادله، ذخیره، صدور و انتقال سرمایه و کالا) نهند و در سرتاسر جهان حتی به تعبیری در داخل بلوک‌های سوسیالیستی نیز صاحب منافع می‌شوند. در واقع بجای آنکه اقتصاد کشورها از مجموعه اقتصاد شرکت‌ها تشکیل شود، اقتصادهای ملی در حوزه امپراطوری شرکت‌های چند ملیتی به هم می‌پیوندند و از این جهت مفاهیم "مکانیسم‌های تثبیت کننده"، "بازار"، "دولت"، "بحران"، "اشغال"، "پول" و همانند آنها که وسیله کنیز و آیندگانش انشاء شده، جنبه جهانی به خود می‌گیرند. درسی که وی از اقتصاد تبار انگلستان در بین دو جنگ جهانی آموخته بود، نه فقط از نظر مکانی، اقیانوس‌ها را می‌پیماید بلکه از نظر زمانی نیز دهه‌ها را پشت سر می‌گذارد و به وسیله آیندگانش به دانش اقتصادی شرکت‌های چند ملیتی و مبادلات تجاری بین‌المللی (بین جهان صنعتی - استعمار با دنیای غیر صنعتی و تحت سلطه) تبدیل می‌گردد، در عین حال نیز به فرآیند استعمار نو و انباشت سود و سرمایه کشورهای حاشیه، و ثروت مال محروم در مرکز اقتصاد بدل می‌شود همانند هر پدیده دراز مدت اقتصادی، مناسبات اجتماعی و پیوندهای سیاسی و فرهنگی خاص را برای مردم حاشیه به همراه می‌آورد.

در قسمت قبل به ویژگی‌ها و شرایط اجراء برنامه استعمار نو اشاره شد که به نظر می‌رسد آمریکا در حیات استعمارگری خود تلاش کرد که این شرایط را فراهم کند تا بتواند تا حد ممکن از منافع کشورهای زیر سلطه بهره‌برد. سه شرط اساسی که مطرح شد شامل: تسلط بر مردم، تسلط بر حکومت محلی و تسلط بر مناسبات داخلی کشورهای حاشیه بود.

۱- تسلط بر مردم: برای پذیرش بدون مقاومت سلطه، در استراتژی نو استعماری این تسلط تا حد ممکن بدون اعمال فشار مستقیم و با حفظ چهره انسان‌دوستانه انجام می‌گرفت و عموماً معتاد کردن مردم جهان تحت سلطه به نوع خاصی از حیات اقتصادی (اشتغال و مصرف انبوه) و زندگی سیاسی (نظام حکومتی انتخابی یک و یا چند حزبی) و اجتماعی (جایگزینی ارزش‌های سرمایه به جای مالکیت، نژاد، قومیت، دین و سایر حرمت‌های سنتی که در تعیین پایگاه‌های اجتماعی و حکومتی مؤثر بودند) و فرهنگی (استقرار ارزش‌های الگو به الگو که در آن جهان صنعتی تنها مدل قابل تقلید زندگی فرض می‌شد) هدف استعمار نو بود.

۲- تسلط بر حکومت‌های محلی، جهت اجرای سیاست‌های اقتصادی هدایتی تا به حدی که حکام برخی از این کشورها به مرحله نمایندگی سیاسی و حق‌العمل - کار اقتصادی عاملیت اجرایی برنامه‌های راهبردی کشورهای مرکز سقوط کردند و وابستگی به خارج شرط عمده کسب قدرت و هژمونی سیاسی در کشورهای حاشیه گردید.

۳- تسلط بر مناسبات داخلی کشورهای حاشیه، از طرف تقویت مواضع طبقات و گروه‌های سرمایه-دار و محفل‌هایی که بیشترین سود این ارتباطات را تصاحب می‌کنند و در نتیجه می‌توانند واسطه ارتباطات خارجی واقع شوند و در حفظ نظام نو استعماری بکوشند.<sup>۸</sup>

به طور خلاصه می‌توان گفت استعمار جدید نسبت به استعمار معمولی یا قدیمی خطرناک‌تر و مرگ‌بارتر می‌باشد و در لابلای مطالب ذکر شده می‌بینیم که آمریکا بزرگ‌ترین استعمارگر جدید و ویتنام جنوبی و ایران از بزرگ‌ترین دست‌نشانده‌ها محسوب می‌شدند. این موضوع را در ادامه به روشنی مطرح می‌نماییم.

### سیاست خارجی، انواع و اهداف آن

در این بخش سعی بر این است که تعاریف کلی درباره سیاست خارجی و انواع و اهداف آن را بررسی کنیم تا به ما کمک کند در فصل سوم تصویری مشخص‌تر درباره ایران و سیاست خارجی آن در این دوره را به دست بیاوریم.

"سیاست خارجی عبارت است از نوعی استراتژی یا یک سلسله اقدامات طراحی شده که توسط سیاست‌گزاران یک کشور در مقابل سایر کشورها و یا موجودیت‌های بین‌المللی جهت کسب اهداف خاص تعریف شده و بر حسب منافع ملی مشخص شده‌است. سیاست خارجی اعمال شده توسط یک کشور ممکن است نتیجه ابتکار عمل آن کشور باشد و یا ممکن است واکنش به ابتکار عمل اتخاذ شده از سوی سایر کشورها باشد."<sup>۹</sup>

همانطور که اشاره کردیم سیاست خارجی را می‌توان مجموعه‌ای از اهداف، جهت‌گیری‌ها، روش‌ها و ابزارها در نظر گرفت که یک حکومت در مقابل سایر واحدهای سیاسی بین‌المللی به منظور دستیابی به منافع ملی دنبال می‌کند. هدف نهایی سیاست خارجی هر کشور تأثیر گذاشتن بر رفتار و کردار سایر کشورها و کل نظام بین‌المللی و برعکس، پذیرفتن اثر از محیط

<sup>۸</sup> صدر، همان، ص ۱۹-۲۰.

<sup>۹</sup> یعقوبی، سعید، (۱۳۸۷) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ص ۱۹.

خارجی می باشد.<sup>۱۰</sup> به عبارت دیگر سیاست خارجی هر کشور با اوضاع بین‌المللی وابستگی تنگاتنگ دارد و این دو عنصر در تعیین و اجرای هم دیگر موثرند. هر کشور در هر مقطع تاریخی برای خود سیاست خارجی را تعیین می کند که با موقعیت جهانی مناسب باشد تا منافع ملی خود را حفظ و روابطش با سایر کشورهای جهان را تقویت کند.

اما از طرف دیگر سیاست خارجی هر کشور با اوضاع داخلی آن کشور رابطه جدا نشدنی دارد. محمدرضا شاه در کتاب "انقلاب سفید" نسبت بین سیاست خارجی و اوضاع داخلی را چنین مطرح کرد:

"سیاست جهانی هر کشور با اصول و ایدئولوژی داخلی آن کشور وابستگی کامل دارد و در واقع خط مشی هر کشور بر اساس اصول و موازینی تعیین می شود که سیاست داخلی آن را اداره می کند"<sup>۱۱</sup>.

از این ادعا مشخص می شود که اوضاع داخلی عنصر اصلی برای تدوین سیاست خارجی هر کشور محسوب می شود. سیاستمداران بر اساس نیازمندی‌های کشور خود، سیاست خارجی مناسب را برنامه‌ریزی می‌کنند تا اوضاع داخلی را بهبود بخشند. بنابراین انتخاب نوع سیاست خارجی به شرایط محیط داخلی بستگی دارد.

از این تحلیل می توان اینگونه نتیجه گرفت که دو عنصر اصلی در تعیین سیاست خارجی هر کشور: اوضاع بین‌المللی و موقعیت داخلی بشمار می روند که هر دو عنصر سهم مساوی در شکل‌گیری و اجرای این سیاست دارند. تدوین و اجرای یک سیاست خارجی مناسب و موفقیت آمیز، به توانایی درک عناصر داخلی و خارجی و پیدا کردن رفتار مناسب برای استفاده از این دو عنصر به نفع ملت خود از طرف مأموران دیپلماسی که در راس آن وزیر امور خارجه است، نیاز دارد. در فصل سوم نقش این دو عنصر را بطور روشن مشخص می کنیم.

به خاطر جایگاه مهم روابط سیاسی و دیپلماسی در عصر حاضر، تنظیم و تدوین سیاست خارجی از جمله مسئولیت‌های مهم یک دولت است، بدین معنی که قانون اساسی مدون و یا غیر مدون یک کشور، اختیارات و تکالیفی را برای هدایت سیاست خارجی آن در رابطه با دولت‌های دیگر تفویض می نماید.<sup>۱۲</sup> بطور مشخص‌تر، در نظام سیاسی، قوه مجریه عنصر اصلی ساختار سیاسی در

---

<sup>۱۰</sup> ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۸). *روابط خارجی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷*. تهران: نشر قومس، چاپ نهم، ص ۷.

<sup>۱۱</sup> پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۵) *انقلاب سفید*، کتابخانه پهلوی.

<sup>۱۲</sup> کاظمی، سید علی اصغر، (۱۳۶۸) *دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین‌المللی*. تهران: دفتر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ص ۱۰

روند تصمیم‌گیری سیاسی خارجی به شمار می‌آید و رئیس سیاست خارجی یک کشور وزیر امور خارجه می‌باشد. از این معلوم است که قانون اساسی، محدودیت و وظایف وزارت امور خارجه و وزیر امور خارجه را تعیین می‌کند و از این رو خط‌مشی سیاست خارجی یک کشور هم باید با اوضاع داخلی و بین‌المللی هماهنگی داشته باشد و هم باید به قانون اساسی احترام بگذارد. نکته مهم این است که در کشوری که به قول خود شاه "دموکراسی شاهنشاهی"<sup>۱۳</sup> برقرار است، طراح و مجری سیاست خارجی باید وزارت خارجه و در رأس آن وزیر امور خارجه باشد و اختیارات تام و جدای از دربار و شاه داشته باشد، اما در واقع در ۲۵ سال سلطنت شاه بعد از کودتای ۲۸ مرداد این امر هیچ وقت مورد احترام قرار نگرفت و شاه در این بخش هم قانون را زیر پا گذاشت و قدرت را به دست گرفت. وزیران را خود سرکار گذاشت و هر وقت از جانب آنها خطری متوجه وی می‌شد فوراً آنها را برکنار می‌کرد. با بررسی دقیق‌تر نقش شاه در تعیین و اجرای سیاست خارجی ایران این دوره، می‌توان ادعا کرد ایران آن دوره اصولاً دموکراسی - شاهنشاهی نبود بلکه شاهنشاهی - دیکتاتوری بود و در اغلب مواقع شاهد هستیم که سیاست‌گذاری و عملی شاه با هم تضاد دارد.

سیاست خارجی یک کشور را در یکی از وضعیت‌های شش‌گانه زیر قرار می‌دهند:

۱- صلح

۲- جنگ

۳- رعایت بی‌طرفی

۴- بسیج و آمادگی برای جنگ

۵- ائتلاف و اتحاد

۶- تعلیق حالت تخصص<sup>۱۴</sup>

اهداف سیاست خارجی بر اساس ماهیت به سه دسته تقسیم می‌شود:

- ۱ - اهداف خود گسترش: به آن دسته از اهداف گفته می‌شود که با تغییر وضع موجود به آن دست خواهد یافت و در واقع بیانگر آرزو و خواست‌هاست.
- ۲ - اهداف خود حفاظتی: به آن گروه از اهدافی گفته می‌شود که یک کشور برای بقاء حفاظت از خود دنبال می‌کند و در واقع حفظ وضع موجود می‌باشد.

---

<sup>۱۳</sup> پهلوی، محمدرضا، (۱۳۸۸). پاسخ به تاریخ، به کوشش شه‌ریار ماکان. تهران: نشر البرز، چاپ دهم، ص ۳۰۴

<sup>۱۴</sup> کاظمی (۱۳۶۸)، همان، ص ۱۵